

زلزله که می آید انسان فقط در حال عمل کردن است و تفکر و تعقل ندارد. به نوعی عمل اصالت دارد. می توان گفت براسا بسترهای دیگر سوره مخصوصا قسمت مناسک حج، این سوره برای اصلاح باورهای انسان و سوق دادن آن به سمت اخلاص از جنبه ی عملی وارد می شود. انسان با بزرگ داشتن شعائرالله و انجام مناسک، خود را به اصلاح باورهای توحیدی وامی دارد.

" ثَانِيَ عَطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ... (۹)

ثانی عطفه: بحث دو تا شدن توجه است که نتیجه می دهد شرک و در اینجا جدال با خدا را به همراه می آورد.

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ... (۱۱)

عده ای از انسان ها که خدای تحریف شده ای را می پرستند. برای اینکه ببینیم چقدر خدایمان و اعتقادمان خالص است باید ببینیم چقدر در هنگام فتنه ها رنگ رخساره مان تغییر می کند و در خیرها و راحتی احساس اطمینان به خدا می کنیم. و این خسران است، خدا در راحتی ها خوب و قابل اطمینان است و در هنگام سختی ها هیچ یآوری برای خودش نمی بیند زیرا دیگر اسباب پاسخگویی نیستند.

" وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَ أَنْ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ " (۱۶)

بحث ان الله يهدي من يريد: هدایت خدا با اراده ی آدم چگونه جمع می شود؟

خداوند حکمت هایی در عالم قرار داده است که این حکمت ها در اراده ی آدمی ضرب می شود و با اینکه اراده ی انسان در انتخاب هایش تعیین کننده ی ظرفیت اوست ولی در آخر می توان گفت که شقاوت و هدایت انسان ها به واسطه ی اینکه ی اصل وجودی مسیر توسط خدا تعیین و جعل شده است به اسم خداست هر چند هرکسی به اراده ی خود تعیین می کند.

" أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ وَ الْجِبَالُ وَ الشَّجَرُ وَ الدَّوَابُّ... " (۱۸)

سجده کردن موجودات یعنی چه؟ سجده یعنی نهایت خضوع که در فرد به وجود می آید و منزّه از هر انانیتی بشود. انسانی که انانیت ندارد تابع قوانین و مقررات وضع شده است. مقررات داشتن همه ی موجودات (مثل دقیق بودن رفت و آمد خورشید و ماه) نشان از سجده کردن آن هاست. ولی کثیر انسان ها مقررات دارند و همه تابع دین نیستند.

و لباسهم فیها حریر (۲۳)

بحث لباس حریریه معنای خلوص تام و منزّه از هر عیب و نقص است. که مقابل با عذاب سوره است که قطعت لهم ثياب من نار، لباس و پوشش ظاهر در این سوره معادل با اعمال ظاهری انسان های سوره است. لباسی از حریر که نشانه ی خلوص و باورهای توحیدی فرد است.

عبادات و مناسک ما را به خلوص می رساند، قرار است یک تمرین عملی به ما بدهند.

"وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَ طَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَ الْقَائِمِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ" (۲۶)

تمرکز مکان برای انسان بسیار مهم می شود. زیرا تمرکز در مکان موجب تمرکز در توجه فرد است، با اینکه خدا همه جا هست ولی بیتی به اسم خودش نهاده است که تمرکز وجوه در آن متجلی شوند.

"ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لِيُوفُوا نُدْوَرَهُمْ وَ لِيُطَوِّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ" (۲۹)

بیت عتیق از جهت عدم انتساب به سایرین و خلوصش گفته می شود که از هر رنگ و حدّ و حدودی فارغ است. بیتی است در نهایت اخلاص و متعلق به خدا.

"حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَهُ الطَّيْرُ ... " (۳۱)

شرک مثل در هوا معلق ماندن است. بی در کجا بودن....

"وَ بَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ" (۳۴)

مخبت مقابل سرگردانی شرک است یعنی مطمئن در راه ایمان.

"إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ" (۳۸)

خوآن کفور نسبت به حج است که انسان یا مخبت می شوند یا خوآن کفور، خوآن یعنی بسیار خیانت کننده به امانت. تمامی مناسک امانتی هستند در گرو ما که باید به غایت آن ها برسیم تا جزء خوانین نباشیم.

و در آخر سوره به مباحثی از جمله هجرت و جهاد در راه خدا امر شده است که نشان از این است که سختی ها خلوص آدم را بالا می برد. و سختی هاست که فهم توحیدی ما را محک می زند.

ان شاءالله در پناه سوره ی مبارکه ی حج بتوانیم با نهایت دارایی مان حق جهاد خدا را به جای آوریم و قدر و منزلت نامتناهی اش را بفهمیم تا نباشیم از آن هایی که شدند: " مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝۷۴